



Causes and Electoral and Managerial Consequences of Parliamentary Participation in the Appointment of Governors

Parviz tavakolnia¹

Abstract

The involvement of members of parliament in the appointment of governors, as the highest representatives of the government and responsible for implementing public policies at the provincial level, is a topic that has so far received limited scientific attention. Accordingly, the present study aimed to determine the extent of parliamentary participation in the appointment of governors. The research method included a review of literature and sources, utilization of documentary data and previous studies, and interviews with experts and specialists. Key indicators of the causes and consequences of parliamentary involvement in governor appointments were identified in 14 indicators and collected through a Likert-scale questionnaire with closed-ended responses. The study population consisted of 90 participants, including policy actors, university professors, and experts. Data analysis using SPSS showed that various factors influence parliamentary participation in the appointment of governors. These factors include non-institutionalized electoral participation and political competition, a conflict-based electoral political culture, political-electoral cycles, and negative campaigns by parties and political factions. Additionally, indicators such as the political and electoral motivations of representatives, efforts to secure reelection, appointment of aligned individuals to political and managerial positions, and the expectations of parties, political currents, and supporters are among the influential causes of parliamentary involvement in governor appointments. The consequences of this trend include weakening the governance position of governors, increasing their dependency on parliamentarians, loss of opportunities, delays in managerial cohesion and the implementation of government programs in provinces, and underutilization of the capacities of elites in political and managerial decision-making.

Keywords: Governors, Ministry of Interior, Members of Parliament, Government, Elections

¹ Parviz tavakolnia Ph.D, Political Science, Shahrreza Azad University, Isfahan. Iran.



علل و پیامدهای انتخاباتی و مدیریتی مشارکت نمایندگان در
انتصاب استانداران
پرویز توکل نیا^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰

چکیده

ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران، به عنوان نمایندگان عالی دولت و مسئول اجرای سیاست‌های عمومی در استان‌ها، یکی از موضوعاتی است که تاکنون کمتر با رویکرد علمی بررسی شده است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران انجام شد. روش تحقیق شامل مطالعه متون و منابع، بهره‌گیری از داده‌های اسنادی و پژوهش‌های پیشین، و مصاحبه با صاحب‌نظران و کارشناسان بود. شاخص‌های کلیدی علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران در قالب ۱۴ شاخص شناسایی و بر اساس طیف لیکرت با پاسخ‌های بسته در پرسشنامه جمع‌آوری شد. جامعه آماری شامل ۹۰ نفر از میان کنشگران مسائل مختلف، اساتید دانشگاه و کارشناسان تعیین شد.

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نشان داد که عوامل مختلفی بر ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران تأثیر دارند. از جمله این عوامل می‌توان به مشارکت در انتخابات و رقابت سیاسی غیرنهادمند، فرهنگ سیاسی انتخاباتی مبتنی

^۱. دکتری تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد شهرضا، اصفهان، اصفهان، ایران.

tavakolnia1@yahoo.com

بر ستیز، چرخه‌های سیاسی-انتخاباتی و مبارزات منفی احزاب و جناح‌ها اشاره کرد. علاوه بر این، شاخص‌هایی مانند انگیزه سیاسی و انتخاباتی نمایندگان، تلاش برای رأی‌آوری مجدد، انتصاب افراد همسو در پست‌های سیاسی و مدیریتی و انتظارات احزاب، جریان‌ها و هواداران نمایندگان نیز از علل مؤثر در ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران هستند. پیامدهای این روند شامل تضعیف جایگاه حاکمیتی استانداران، وابستگی استانداران به نمایندگان، فرصت‌سوزی و تأخیر در انسجام مدیریتی و اجرای برنامه‌های دولت در استان‌ها و کاهش استفاده از ظرفیت نخبگان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی است.

کلیدواژه‌ها: استانداران، وزارت کشور، نمایندگان مجلس، دولت، انتخابات

مقدمه

انتصاب استانداران به‌عنوان نمایندگان عالی دولت و مجریان سیاست‌های عمومی در سطح استان، از مهم‌ترین وظایف وزارت کشور و دولت به شمار می‌آید. در ساختار جمهوری اسلامی ایران، استاندار یک منصب حاکمیتی محسوب می‌شود و استانداری معمولاً محل بروز تغییرات مدیریتی متناسب با رویکرد دولت‌ها است. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان انجام این پژوهش، در مجموع ۵۳۲ استاندار و ۳۹ سرپرست استانداری در کشور منصوب شده‌اند که این امر متناسب با نیازهای مدیریتی و رویکردهای اجرایی دولت‌ها انجام گرفته است.

استانداران به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی دولت در استان، بر کلیه ادارات و سازمان‌های محلی نظارت دارند و مسئول اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های کلان دولت در محدوده مأموریت خود هستند. از آنجا که معرفی استانداران از سوی وزیر کشور به هیئت دولت انجام می‌شود و انتصاب نهایی با رئیس‌جمهور است، این جایگاه از منظر حقوق اساسی دارای نقش مهمی در هماهنگی امور اجرایی در سطح استان است. اگرچه تعیین استانداران در حیطه صلاحیت حاکمیتی وزارت کشور و دولت قرار دارد و مطابق اصل ۵۷ قانون اساسی، قوا مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند، اما جایگاه مدیریتی استانداران، ارتباط آنها با دستگاه‌های مرکزی، مسئولیت آنان در هدایت مدیران محلی، پیشنهاد انتصاب فرمانداران و بخشداران، و نقش آنها در حوزه نظم و امنیت استان، موجب شده است که این فرایند در سال‌های اخیر بیش از گذشته مورد توجه نمایندگان مجلس قرار گیرد. این موضوع گاهی سبب طرح دیدگاه‌ها یا پیشنهادهایی از سوی نمایندگان شده که نیازمند تنظیم دقیق تعاملات میان مجلس و دولت است تا با اصول استقلال قوا و نقش‌های قانونی هر نهاد هم‌خوانی داشته باشد.

از سوی دیگر، اخذ نظر کارشناسی نمایندگان مجلس در برخی موارد، با استناد به اصل ۸۴ قانون اساسی - مبنی بر حق اظهارنظر نمایندگان درباره عموم مسائل - امری قابل تفسیر و تا حدی قابل پیش‌بینی است؛ زیرا نمایندگان شناخت نسبتاً دقیقی از

شرایط استان‌ها و مطالبات رای‌دهندگان دارند. همچنین بخشی از انتظارات عمومی از نمایندگان، که گاه فراتر از حدود وظایف قانونی آنها است، زمینه‌ساز طرح دیدگاه‌ها درباره انتخاب مدیران محلی می‌شود.

با این حال، استمرار برخی انتظارات یا پیگیری‌های فراقانونی می‌تواند موجب ایجاد چالش در روند انتخاب استانداران، طولانی شدن فرایند تصمیم‌گیری یا دشوار شدن انسجام مدیریتی در استان‌ها شود. این امر ضرورت توجه بیشتر به تنظیم سازوکارهای تعامل و تفکیک وظایف را برجسته می‌کند.

رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات خود در دیدار با نمایندگان مجلس یازدهم، بر اهمیت پرهیز نمایندگان از ورود به مسائل اجرایی و از جمله حوزه انتصابات تأکید کرده‌اند و توصیه نموده‌اند که نمایندگان نقش نظارتی خود را در چارچوب قانون و با تمرکز بر وظایف تقنینی دنبال کنند.

پژوهش حاضر، با توجه به همین رهنمودها و با پذیرش اینکه انتخاب و انتصاب استانداران از وظایف حاکمیتی دولت است اما تعامل و تبادل نظر میان دولت و نمایندگان می‌تواند در بهبود فرایندها مؤثر باشد، به دنبال تبیین علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس به روند انتخاب استانداران است. در چارچوب ادبیات نظری، مفاهیم مرتبط تعریف شده و سپس با تحلیل شاخص‌های پژوهش، ابعاد موضوع بررسی و در پایان نتایج ارائه می‌شود.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. استانداری و استانداران

استانداری یک نهاد حکومتی و مدیریتی پیشران در استان است. و زیر نظر استاندار اداره می‌شود. بر اساس ماده «۹» قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری استان واحدی از تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین است. که از به هم پیوستن چند شهرستان همجوار با توجه به موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی،

فرهنگی، اقتصادی و طبیعی تشکیل می‌شود. کشور ایران در حال حاضر سی‌ویک استان دارد و استانداری‌ها در شهرستان مرکز استان مستقر می‌باشند. استانداران بر اساس ماده «۳» شرح وظایف استانداران و فرمانداران مصوب ۱۳۷۷/۸/۲۷ شورای عالی اداری به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیأت وزیران و حکم رئیس جمهور منصوب می‌شوند و عزل آنان بر اساس ماده «۴» به پیشنهاد وزیر کشور، تأیید رئیس جمهور و حکم وزیر کشور خواهد بود. استاندار مقامی سیاسی است. بدین منظور که قانون‌گذار با لایحه اصلاح تبصره مواد ۶ و ۷ قانون تقسیمات کشوری و وظایف استانداران به وزارت کشور اجازه داده است. تا در صورت لزوم حتی اشخاصی را که دارای خدمت رسمی و سابقه خدمت دولتی نیستند، را به عنوان استاندار منصوب کند و هر وقت سیاست دولت ایجاب کند، آن‌ها را نیز از کار برکنار کند.

۱-۲. جایگاه، وظایف و اختیارات استانداران

معمولاً نام وزارت خانه‌ها به نحوی مبین وظایف و مسئولیت‌های آن وزارتخانه است. وزارت کشور در این میان به لحاظ جایگاه حاکمیتی ممتاز و کیفیت و حساسیت وظایف خود و شخصیت مقاماتی که به نمایندگی از دولت این مسئولیت را بر عهده دارند. تنها وزارت خانه‌ای محسوب می‌شود. که فراتر از وظایف و مسئولیت‌های ذاتی خود طیف وسیع و گسترده‌ای از وظایف و مسئولیت‌های دیگر در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف نیز متوجه آن است.

بر اساس ماده «۱» شرح وظایف استانداران و فرمانداران مصوب شورای عالی اداری مصوب سال ۱۳۷۷ استانداران در قلمرو مأموریت خویش به عنوان نماینده عالی دولت، مسئولیت اجرای سیاست‌های عمومی کشور در ارتباط با وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و سایر دستگاههایی که بنحوی از بودجه عمومی دولت استفاده می‌نمایند، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای انتظامی، شوراهای اسلامی

شهر و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیر دولتی را بر عهده دارند. مضاف بر آن استانداران علاوه بر وظایف عام در قبال وزارت کشور و سیاست عمومی دولت و مجموعه تحت مدیریت خود و ادارات و سازمان‌های تابعه و وابسته به وزارت کشور و استانداری، با وظایف خاص نامحدود و غیر قابل پیش بینی نیز مواجه هستند. که در واقع مدیریت آنها به تدبیر، توان و کاردانی استانداران بر می‌گردد. بنابراین با در نظر گرفتن جایگاه حاکمیتی استانداران و نمایندگی عالی دولت در استان و مدیریت بر وظایف عام و خاص و وظایف تعریف نشده و غیر قابل پیش بینی از منظر حقوق اداری، استانداران دارای اختیارات و مسئولیت‌های منحصر بفرد در حوزه مأموریت خود هستند و در واقع «همه کاره»^۱ نامیده می‌شوند.

۱-۳. مفهوم نمایندگی، صلاحیت‌ها، اختیارات و وظایف

نخستین بار توماس هابز^۲ مفهوم «نمایندگی»^۳ را در مفهوم سیاس- حقوقی مطرح نمود. که طبق آن حکومت مبتنی بر نمایندگی حکومتی می‌باشد که به خواست مردم تشکیل شده است (بشیریه، ۱۳۸۲: ۳۴۲). نماینده^۴ در لغت به عنوان کسی که چیزی را می‌نماید و یا هویدا می‌کند تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۷۸۹). و در اصلاح نیز نماینده شخصی است که از جانب قانون دارای اختیاراتی در شکل‌گیری و یا تغییرات در کلیه حقوق و تکالیف قانونی می‌باشد که با ایجاد رابطه میان دیگر اشخاص که اصیل خوانده می‌شوند موجودیت می‌یابد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۵۵). در ادبیات حقوقی نماینده به عنوان کسی است، که عملی حقوقی برای دیگری و به نام او انجام دهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۶۹). در اصلاح حقوق اساسی نمایندگی به معنای خاص آن به کسی گفته می‌شود که مطابق قوانین و مقررات موضوعه پس از اعلام نامزدی از

1- poLyvaLent

2- Hobbes Thomas

3 - Representative

4- delegate

طریق آرای عمومی از سوی مردم به عنوان نماینده مجلس انتخاب می‌گردد. مفهوم نمایندگی به حدی حائز اهمیت است که تمامی دموکراسی‌های مدرن، نظام حکومتی خود را بر پایه آن قرار می‌دهند. به گونه‌ای که برخی بر این باورند که مفهوم نمایندگی نقطه ثقل مباحث مرتبط با قوه مقننه است (مرادخانی، ۱۳۹۶: ۴۰۰).

مجلس شورای اسلامی عهده دار نمایندگی از جانب مردم و قانونگذاری و نظارت بر حکمرانی مقامات اجرایی و قضایی است. مجلس شورای اسلامی رکن اصلی نهاد قانون‌گذاری در کشور است. و بنیادی‌ترین کارکرد مجامع قانونگذار نمایندگی مردم است (راسکین و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۰). نمایندگان مجلس به طور مستقیم و طی یک انتخابات عمومی برای یک دوره چهار ساله با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند و وظیفه و صلاحیت قانونگذاری و نظارت دارند. نمایندگان مجلس منتخبان مردم و امین مردم در درون هیات حاکمه محسوب می‌شوند، بنابراین ورود و مواضع آنان در مسائل و موضوعات مختلف که انتخاب استانداران از جمله آن می‌باشد. با در نظر گرفتن صلاحیت نمایندگی و وظایف و مسئولیت مختص به هر یک از قوای سه گانه، بازتاب و آثار گسترده ای در جامعه دارد. در جدول شماره ۱. به اختصار وظایف، اختیارات و صلاحیت‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف قانونگذاری، نظارت، نمایندگی و... که این امکان را به نمایندگان می‌دهد، تا اختیارات و صلاحیت خود را از طریق قانون و وظایف نمایندگی اعمال کنند، اشاره شده است.

جدول شماره ۱. وظایف، اختیارات و صلاحیت‌های نمایندگان مجلس

وظایف و صلاحیت‌های مجلس	انواع و ابعاد	مستند قانونی *	توضیحات
قانونگذاری	قوانین معمولی	اصل ۷۱	وضع قانون در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی
	قوانین خاص و سازمان دهنده	اصل ۲۴	قانون اساسی در برخی از اصول جهت کلی را کاملاً مشخص کرده ولی ذکر کلیات، تفصیل مطالب و یا سازماندهی اصل مورد نظر را بر عهده مجلس قرار داده است. مانند موضوع مطبوعات
	قوانین تفویضی	اصل ۸۵	
	تفسیر قوانین	اصل ۷۳	
نظارت	تأسیسی	ماده ۲۰۲، اصل ۱۳۳ قسمت اول اصل ۸۸	قوه مقننه با استفاده از شیوه‌های نظارتی خاص، قوه مجریه و اقدامات آن را زیر نظر می‌گیرند و نظارت مجلس به اختصار عبارتند از: ۱. نظارت بر تشکیل دولت: الف) تسلیم برنامه دولت به مجلس ب) رأی اعتماد به وزیران ج) رأی اعتماد به هیئت وزیران
		اصل ۱۳۶ و قسمت اول اصل ۸۷	۲. نظارت بر تغییرات و اختلافات دولت: الف) تغییر وزرا ب) در مسائل مهم و مورد اختلاف

- اطلاعات مردمی (شکایات مردم از طرز کار قوای مجریه و قضائیه و مجلس) - ابتکار نمایندگان در کسب اطلاع الف) تذکر: جلوه کسب اطلاع را ندارد اما حق تذکر برای نماینده در صلاح اندیشی و در گوشزد کردن موارد تخلف می‌تواند مقدم‌های برای نظارت بر سیاست‌های عمومی و برنامه‌های دولت و ارزیابی عملکرد مسئولان به شمار آید (حبیبی، ۱۳۶۴: ۳۵). ب) سؤال ج) تحقیق و تفحص	اصل ۹۰، ماده ۲۰۶ و مواد ۲۰۷ تا ۲۱۱ و اصل ۷۶ و مواد ۲۱۲ تا ۲۱۵	اطلاعی	
یعنی اعمال مورد نظر فقط با کسب اجازه قبلی و تصویب مجلس قابل اجراست از جمله آن: اول: نظارت بر معاهدات و قراردادهای بین المللی دوم: نظارت بر تغییر خطوط مرزی سوم: نظارت بر برقراری حالت فوق العاده و محدودیت‌های ضروری چهارم: نظارت بر صلح دعاوی مالی یا ارجاع آنها به داوری پنجم: نظارت بر برخی دیگر از اعمال دولتی همچون قرض و استقراض کمک بلاعوض، استخدام کارشناسان خارجی، فروش بناها و اموال دولتی	اصل ۷۷ و ۱۲۵، اصل ۷۸، اصل ۷۹، اصل ۱۳۹ و اصول ۸۰ و ۸۲ و ۸۳ و اصل ۸۱ و تفسیر شورای نگهبان	استصوابی	

ششم: نظارت بر دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات به خارجیان.			
	اصل ۵۲ و مواد ۱۸۲ تا ۱۸۴	مالی	
- مسئولیت سیاسی رئیس جمهور و وزیران - استیضاح وزیران - استیضاح رئیس جمهور	اصل ۱۳۷ برای هریک از وزیران و ذیل اصل ۱۳۴ و نیز اصل ۱۲۲ برای رئیس جمهور. قسمت اول اصل ۸۹ و مواد ۲۲۰ تا ۲۲۸. قسمت دوم اصل ۸۹ و مواد ۲۲۹ تا ۲۳۳	سیاسی	نماینده‌گی
بنیادی‌ترین کارکرد مجامع قانونگذار نمایندگی مردم است (راسکین و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۰) «در راستای ایفای هرچه بهتر وظیفه نمایندگی، همچنین حفظ شئن و منزلت مجلس و جایگاه حقیقی نمایندگان، هیئت رئیسه به منظور برقراری ارتباط مؤثر (دیداری، شنیداری و مکتوب) نمایندگان با موکلین و نمایندگان دستگاه‌های اجرایی و نهادهای رسمی و غیر رسمی در مرکز حوزه انتخابیه با اختصاص فضای فیزیکی مناسب (دفاتر کار و ملاقات عمومی) امکانات سخت افزاری و نرم افزاری مورد نیاز فراهم کند.	ماده ۷۲		

منظور از اصل در این ستون اصل قانون اساسی و مراد از ماده، ماده قانون آیین نامه داخلی مجلس است (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۵۷-۲۶۶)

۲. علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران

علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس به روند انتخاب استانداران را می‌توان نتیجه مجموعه‌ای از عوامل مرتبط در حوزه‌های گوناگون دانست. این عوامل در سطوح فردی و رفتاری، قوانین و مقررات انتخاباتی، ساختار سیاسی-اداری، فرایندهای رقابت انتخاباتی، ویژگی‌های فرهنگ سیاسی، و شرایط اجتماعی و مشارکت سیاسی جامعه شکل می‌گیرند. در ادامه و در چارچوب مبانی نظری پژوهش، به مهم‌ترین این عوامل پرداخته می‌شود.

۲-۱. مشارکت و رقابت سیاسی انتخاباتی

مشارکت سیاسی^۱ از الزامات اساسی انتخابات آزاد و عادلانه و رقابتی در نظام‌های مردم سالار است (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). مشارکت از جمله مباحثی است، که ارسطو^۲ آن را محور «زندگی سیاسی» قرار داده است. (ملکی، ۱۳۸۴: ۲۲۶). مشارکت در انتخابات، در مقایسه با دیگر وجوه مشارکت قابل سنجش به شکل کمی است. بنابراین مشارکت در انتخابات از این جهت که میزان حضور در انتخابات و آرای منتخب یا منتخبین را نشان می‌دهد. از معیارهای عمده میزان مشارکت سیاسی است. (کوهکی، ۱۳۸۸: ۶). رقابت سیاسی نیز از مهمترین پیش زمینه‌های رشد سیاسی یک جامعه و ضامن حفظ وحدت وجودی آن جامعه علی رغم تنوع و تکثر دیدگاه‌های موجود است «رقابت سیاسی سبب گذار از فرایند تعارض منجر به منازعه و تبدیل آن به رقابت سیاسی مبتنی بر وفاق، مدارا و تحمل است» (کریمی مله، ۱۳۸۰: ۵۰-۴۹).

رابرت دال^۳ در اهمیت توجه به مقوله مشارکت و رقابت سیاسی، به طور همزمان دو رکن «رقابت عمومی»^۴ و «مشارکت عمومی»^۵ را عوامل اساسی تکثرگرایی سیاسی می‌داند (فیرحی، ۱۳۸۵: ۳۴). همچنین رابرت دال پیشرفت به سمت دموکراسی را در

1 - Political Consciousness

2 - Aristotle

3 - Robert A.Dahl

4 - General competition

5 - Public participation

صورتی پایدار و مسلم می‌داند، که رقابت قبل از مشارکت توسعه یابد (رز، ۱۳۹۰: ۸۶).

برخی پژوهشگران بر این باورند که ساختار انتخابات بیش از آنکه بر رقابت سازمان‌یافته حزبی تکیه کند، زمینه مشارکت گسترده‌تر را فراهم می‌سازد (رضوی، ۱۳۷۹: ۱۳۳). با این حال به نظر برخی روند مشارکت انتخاباتی نشان می‌دهد که صرف تمرکز بر مشارکت، بدون تقویت بستر رقابت سیاسی قانونمند و متکثر، به‌تنهایی نمی‌تواند به مشارکت پایدار و نهادمند و نیز انتخاب نمایندگان متخصص و پاسخگو منجر شود.

هانتینگتون نیز تأکید دارد که «توسعه سیاسی مستلزم فرهنگی است که بتواند سطح مناسبی از مشارکت سیاسی را مشروعیت‌بخشی و تسهیل کند» (علم، ۱۳۸۷: ۱۰۲). بدین ترتیب بین کاهش میزان مشارکت و افزایش و کاهش ناگهانی و هیجانی مشارکت در انتخابات، با کاهش رقابت و آرای منتخبین و میزان رضایت رأی دهندگان از عملکرد منتخبین ارتباط نزدیک وجود دارد.

برداشت‌ها و دیدگاه‌های مختلف از مشارکت و رقابت سیاسی در انتخابات هم بر افزایش و کاهش میزان مشارکت و رقابت در انتخابات مؤثر است. یک دیدگاه تا حدود زیادی تمایل به وجود رقابت ندارد. از منظر طرفداران این الگو، آنچه مد نظر است «وحدت سیاسی» است و نه «رقابت سیاسی» (افتخاری، ۱۳۷۸: ۴۰). دیدگاه دیگر رقابت سیاسی را لازمه رشد و پویایی فرهنگی و اجتماعی جامعه و آن را از نشانه‌های حکومت‌های مردم سالار دانسته و باز تولید وحدت را در پرتو کثرت‌گرایی سیاسی و رقابت می‌داند (میرمحمدی، ۱۳۸۰: ۸۰). و دیدگاه سوم معتقد به الگوی تثبیت و حفظ وضع موجود و محدود کردن رقابت سیاسی است. این دیدگاه رقابت سیاسی در سایه کنترل و ثابت نگه داشتن سطح گروه بندی‌های سیاسی و نزدیک کردن هر چه بیشتر دیدگاه‌های مختلف به یکدیگر، با خواباندن جریان‌های فکری دیگر است (میرمحمدی، ۱۳۸۰: ۸۳).

آنچه مسلم است، انحصاری شدن نامزدهای انتخابات و منتخبین انتخابات و تنزل سطح و جایگاه نمایندگی بر اثر وعده‌ها و شعارهای غیر عملی و تحقق نیافته و افزایش مانع و هزینه برای ورود به بازار سیاسی و گردش عملی و عینی نخبگان و روند مردم سالاری و توسعه باعث می‌شود تا کارگزاران بعد از تثبیت موقعیت خود موانعی را که عناصر ذاتی مردم سالاری نیستند، را برای ورود به صحنه سیاست پدید می‌آورند، تا بتوانند حفظ و تداوم قدرت خود را تضمین کنند. بنابراین عدم نهادینگی ابزارهای نهادینه سازی مشارکت و رقابت سیاسی در مردم سالاری که بنا بر استدلال هانتینگتون (۱۳۷۰) احزاب سیاسی، انتخابات و مجالس قانون گذاری هستند. که بدکارکردی و جهت گیری آنها به سمت الیگارشی در فرایندهای دموکراتیک مانند انتخابات (کی جین، ۱۳۸۶: ۱۱۹) مانع از آن شده‌اند، تا مشارکت و رقابت‌های سیاسی انتخاباتی کارآیی واقعی خود در حرکت به سوی منتخبین پاسخگو در قبال عملکرد و در انجام وظایف قانونگذاری و نظارت بر اجرای قانون و رأی دهندگان پرسشگر در قبال رأی خود و نظام توسعه یافته مدیریتی در تعیین مدیران بر اساس ملاک‌ها، معیارها و شاخصه‌های تخصصی به دور از زد و بندهای سیاسی معطوف به باند و منافع فراهم شود.

۵-۱. فرهنگ سیاسی انتخاباتی

فرهنگ سیاسی به عنوان محصول تاریخ نظام سیاسی و بخشی از کل فرهنگ عمومی و متأثر از آن و به معنای نحوه اثرگذاری متقابل فرهنگ و سیاست در موضوعات مختلف سیاسی است (سریع القلم، ۱۳۸۹: ۱۱). اریک روو^۱ فرهنگ سیاسی را الگویی از ارزش‌ها، اعتقادات و امتیازهای احساسی فرد می‌داند (عالم، ۱۳۹۱: ۱۱۳). استفان دی. سی^۲ فرهنگ سیاسی را محیط ذهنی و فکری می‌داند، که سیاست در آن شکل می‌گیرد، تفسیر می‌شود و مورد قضاوت واقع می‌گردد (تنسی، ۱۳۷۹: ۱۳۱). فرهنگ

1 - Eric Rowe

1 - Stefan. de.c

سیاسی ساختارها و معنی عرصه سیاسی را به همان روالی آشکار می‌کند که فرهنگ به طور کلی همبستگی و یک پارچگی زندگی اجتماعی را روشن می‌گرداند (عالم، ۱۳۹۱: ۱۱۶). فرهنگ جز عوامل پایدار بر قدرت و سیاست و در نحوه اعمال متقابل آنها است. «فرهنگ سیاسی جهت‌گیری‌های مردم نسبت به نهادها، ساختارها و نیز عملکردها، کم و کیف مشارکت سیاسی و شیوه رأی دادن را مشخص می‌کند» (قوام، ۱۳۸۲ (ب): ۱۰۵). بنابراین همان گونه که فرهنگ سیاسی تمایلات خاص به رفتار سیاسی تلقی می‌شود. فرهنگ سیاسی محتوای گرایش‌ها و رفتار سیاسی افراد را شکل می‌دهد (سریع القلم، ۱۳۹۷: ۷۰)، و به دگرگونی‌های اقتصادی و سیاسی پاسخ می‌دهد و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و در یک فرایند مستمر جامعه‌پذیری سیاسی نهادینه می‌شود و از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

گابریل آلموند^۱ فرهنگ سیاسی را همان نظام سیاسی درونی شده در ادراکات و ارزیابی‌های مردم می‌داند. از نظر وی هر نظام سیاسی متضمن یک الگوی خاص از جهت‌گیری به سمت کنش‌های سیاسی است. که این بدان معنا می‌باشد که در هر نظام سیاسی یک قلمرو ذهنی سازمان یافته درباب سیاست وجود دارد. که به جامعه، ترکیب نهادها و اتکای اجتماع بر افعال فردی معنی می‌دهد و نظام سیاسی آن را هدایت می‌کند و ساخت و معنا می‌بخشد (Almond, 1990: 138). لوسین پای^۲ نیز استدلال می‌کند، اگر قرار است. مفهوم فرهنگ سیاسی را به نحو مفید و مؤثری به کار ببریم، باید آن را با تحلیل‌های ساختاری تکمیل کنیم (امام جمعه زاده و یاری، ۱۳۸۲: ۱۳).

بر این اساس مواردی از وجوه فرهنگ سیاسی که بر رفتار عبارتند از :
- فرهنگ «آمریت و تبعیت» که سبب تحول تلقی عمومی از «اصل رقابت» در مبارزه و فعالیت سیاسی به «اصل ستیز» می‌شود (علم، ۱۳۸۷: ۳۶۹).

2 - Gabriel Almond

3- Lucian Pye

- تداوم درحقیقات منفی بی‌اعتمادی، قاعده‌گریزی، رفتار غریزی، احساسات مفرط، فردگرایی منفی، حذف و تخریب در حل اختلاف‌ها و... که در دو بنیان خود محوری و رعایت نکردن منافع و خواسته‌های دیگران و ضعف فرهنگ و روح جمعی است (سریع‌القلم، ۱۳۹۷: ۱۷۰-۸).

- نفع‌طلبی، عهد و پیمان شکنی و تفاوت در ظاهر و باطن و... در بر خورد با وظایف و مسئولیت‌ها که مربوط به مؤلفه‌های اخلاقی است. (جمال زاده، ۱۳۴۵: ۱۲).

- روحیات و حقیقات ناشی از فرهنگ سیاسی که در قالب دیدگاه روان‌شناسی سیاسی قابل تبیین بوده و بر تعیین‌کنندگی عوامل روانی در کنش سیاسی تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه، توده‌های انتخاباتی که افرادی فاقد قدرت قضاوت درست، تحریک‌پذیر و خوش‌باور هستند، انتظار دارند که منتخبین آنها پاسخگوی خواسته‌های آنها باشند. (لوبون، ۱۳۶۹: ۲۰۲-۲۰۱).

- فرهنگ سیاسی نخبگان که حاکی از بدبینی، بی‌اعتمادی، عدم مصالحه، ستیزش، عدم تسامح، هیجان‌زدگی و قانون‌گریزی و تک‌روی است، زمینه تبدیل رقابت به کشمکش و تنش را فراهم می‌کند، و مانعی برای رقابت منطقی و توسعه سیاسی بوده‌اند (نیاکوئی، ۱۳۹۳: ۲۲۵).

- رویکرد حامی-پیرو و ساختار نامناسب اقتصادی، باند بازی در ساخت سیاسی، نوجه‌گرایی در انتصابات و گماردن پیروان در گلوگاه‌های تصمیم‌گیری با پشتوانه حامیان قدرتمند که زمینه فساد را فراهم می‌سازد (ربیعی، ۱۳۸۴).

- کنترل متمرکز بر منابع قدرت سیاسی، فرهنگ سیاسی رقابت‌ستیز و چند پارگی‌های جامعه سیاسی، که احتمال مشارکت و رقابت سیاسی را کاهش می‌دهند و از این رو مانع توسعه سیاسی می‌شوند (منشادی، اکبری، ۱۳۹۹: ۱۸۶).

- ساختار سیاسی که از پشتوانه نظری فرهنگ سیاسی تغذیه می‌شود و یک کلیت واحد را از مجموعه نهادها و مراکز قدرت سیاسی به وجود می‌آورند (نقیب زاده، ۱۳۸۰: ۱۶۵). که منظور از آن نحوه ارتباط عناصر متشکله قدرت سیاسی و همچنین

راه‌های سازمان یافته انجام فعالیت‌های سیاسی توسط افراد است» (عیوضی، ۱۳۸۲: ۲۵).

از آنجا که در کلیه جوامع روابط بین فرهنگ سیاسی و ساختار تفکیک ناپذیر است، و هماهنگی میان فرهنگ سیاسی و نظام سیاسی موجب ثبات سیاسی و فرهنگی می‌شود (عباسیان، ۱۳۸۷: ۳۶) سه دیدگاه اصلی در باب رابطه میان فرهنگ سیاسی و ساختار سیاسی قابل بررسی است. یکی دیدگاه فرهنگ گرا می‌باشد که این دیدگاه پدیده‌ها و تحولات اجتماعی را بر اساس زیر بنا دانستن فرهنگ جامعه تحلیل نموده و فرهنگ را بن‌مایه تمامی واکنش‌های اجتماعی از جمله سیاست تلقی می‌کند. این دیدگاه معتقد است، فرهنگ سیاسی سامان بخش رفتار سیاسی خرد و کلان و ساختار سیاسی است. بدین معنا که ارزش‌ها، اعتقادات، سنت‌ها و نگرش خاص انسان به هستی، نقش اساسی در نحوه رفتار سیاسی و سامان سیاسی دارد (عباسیان، ۱۳۸۷: ۳۸-۳۷). دوم دیدگاه ساختارگرا است. این دیدگاه، فرهنگ را به عنوان امری تبعی در نظر می‌گیرد و ساختار سیاسی را تعیین کننده و عامل شکل‌گیری فرهنگ و ارزش‌های مردم می‌داند. «اگر چه فرهنگ سیاسی هر جامعه‌ای یک وجه بسیار مهم از نظام سیاسی است و توجه به مباحث مربوط به فرهنگ سیاسی ملل فراتر از ساخت‌های سیاسی است. با این حال فرهنگ سیاسی یک ملت از تجربیات افراد در فرایندهای سیاسی مشتق می‌شود و از شیوه‌های عمل ساخت‌های سیاسی تأثیر پذیرفته است» (علم، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۴). دیدگاه سوم، دیدگاه تلفیقی است. این دیدگاه بین فرهنگ سیاسی و ساختار سیاسی رابطه متقابل و دو سویه قائل است. به این معنی که فرهنگ، باورها، هنجارها، ایستارها و گرایش‌های کنشگر سیاسی را می‌سازد. کنشگر سیاسی گاه ساخت را حفظ می‌کند و گاهی به تغییر آن حکم می‌کند. از دیگر سو، ساختار سیاسی که یکی از اجزای آن فرهنگ سیاسی است، انتخاب‌های کنشگر را محدود می‌کند. ساختار سیاسی به طور کلی با بهره‌گیری از قدرت و سازوکارهای جامعه پذیری، نقش عمده‌ای در تقویت و تثبیت فرهنگ

سیاسی دارد (رفیع و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۶). بنابراین از آنجا که ساختارها و تجربه‌های سیاسی و تاریخی یک ملت از عوامل مهم شکل دهنده فرهنگ سیاسی هستند و مفهوم فرهنگ سیاسی و ساخت سیاسی تأثیر متقابل و رابطه تفکیک ناپذیری نسبت به هم دارند. فقر فرهنگ قانون‌گرایی و فرهنگ سیاسی مبتنی بر حذف و ستیز و غیر مشارکتی و غیر رقابتی بودن مبانی رفتاری و نظری فرهنگ سیاسی انتخاباتی از جمله متغیرهای مؤثر در مطالعه روابطه میان ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران می‌تواند باشد.

۱-۶. چرخه تجاری- سیاسی و انتخاباتی

تأثیر متقابل تحولات سیاسی و اقتصادی کشورها بر همدیگر و بر انتخابات به عنوان مهمترین پدیده‌ی سیاسی امری بدیهی است. به خصوص آن که انتخابات ارتباط مستقیم و پیوند ناگسستنی با اقتصاد و تحولات ناشی از آن و سیاست دارد. و اقتصاد و سیاست جز برنامه‌ها و شعارهای اصلی مبارزات انتخاباتی نامزدهای انتخابات است. و نقش ملموس و قابل ملاحظه‌ای در پیروزی آنها در انتخابات دارد. به طوری که از نظر چارلز رایت میلز^۱ «اقتصاد منشأ و اساس تداوم قدرت، ثروت و امتیازات مالی است» (روریش، ۱۳۷۲: ۴۷). و استباط تافت^۲ بر نقش اقتصاد بر سیاست و انتخابات هم بر این است «که مردم به کیف پول خود رأی می‌دهند» (رحیمی، ۱۳۹۲: ۶۶).

تأثیر اقتصادی یک تصمیم‌گیری سیاسی در قبل از برگزاری انتخابات، ایام انتخابات و در بعد از برگزاری انتخابات و مشخص شدن منتخبین به دو صورت نمایان می‌شود: یکی شرکت در انتخابات و رأی دادن به نامزد و یا نامزدهای انتخابات است، که در قالب نظریه انتخاب عقلانی^۳ آنتونی داونز^۴ (۱۹۵۷) مهم‌ترین نظریه پرداز انتخاب

1 - Charles Wright Mills

2 - Taffet

3 - Rational Choice Theory

4 - Anthony Downs

عقلانی در انتخابات (محاسبه منافع رأی دادن) قابل فهم است. و اساس آن مبتنی بر سنجش عملکرد شخصی و گذشته نامزدهای انتخابات و احزاب و حامیان نامزدهای انتخابات و ارزیابی منافع مالی آنها توسط مردم است. و دیگری خواسته‌های اقتصادی رأی دهندگان از منتخبین در پس از برگزاری انتخابات است. که با وعده‌های اقتصادی و طرح شعارهای اقتصادی زمینه حضور و انتخاب مجدد خود را در انتخابات فراهم نموده اند که در قالب سیکل‌های تجاری- سیاسی نوردهاوس مطرح است (توکل نیا، ۱۳۹۸: ۹۸). «الگوی سیکل‌های تجاری- سیاسی نوردهاوس^۱ که به روش فرصت طلبی معروف است. به فرایندی می‌پردازد که نمایندگان و یا حزب حاکم سعی می‌کنند، با طرح شعارهای اقتصادی و موضوع بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی در سال منتهی به انتخابات، عملکرد اقتصادی کوتاه مدت موفق از خود جهت پیروزی مجدد در انتخابات با توجه به حافظه کوتاه مدت رأی دهندگان به نمایش بگذارند. که در تصمیم رأی دهندگان مؤثر است» (گلشنی، شهبازی، ۱۳۹۵: ۸۹). بنابراین از آنجا که در این حالت میزان محبوبیت و مقبولیت نمایندگان مجلس توسط رأی دهندگان، بر اساس متغیرهای اقتصادی به سبب قدرت کارآیی و مزیت‌های عمده‌ای که بازار اقتصادی بر بازار سیاست دارد، و استدلال اقتصاد دانانی همچون میلتون فریدمن^۲، جیمز بوکانان^۳، گوردن تولاک^۴، جک واکر^۵ و آنتونی داونز مبنی بر این که برتری و مزیت اقتصادی توسط رأی دهندگان ارزیابی می‌شود. بر این اساس نمایندگان مجلس نیز از راه ورود به انتخاب استانداران به عنوان نماینده عالی دولت و مسئول توسعه استان و سیاست‌های عمومی دولت در استان درصدد تعیین شخصی همسو با اهداف و منافع خود به منظور جهت دهی متغیرهای اقتصادی در قالب پروژها و طرح‌های اقتصادی و اشتغال‌زا

3 - Nordhaus

4 - Milton Friedman

5 - James Buchanan

6 - Gordon Tulloch

7 - Jack Walker

در حوزه های انتخابیه خود هستند. تا از طریق آن میزان رضایت رأی دهندگان را نسبت به خود افزایش داده و بستر انتخاب مجدد خود را فراهم نمایند.

سی مورمارتین لیپست^۱ در خصوص ارتباط اقتصاد و تأثیر آن بر دموکراسی که انتخابات از وجوه بارز آن است. استدلال می‌کند «کشورهایی که وضع اقتصادی بهتری دارند، فرصت بهتری برای کسب و حفظ دموکراسی خواهند داشت» (لیپست به نقل از سریع القلم، ۱۳۹۷: ۵). بنابراین اقتصاد و توسعه یافتگی از جمله شاخص‌هایی می‌باشند. که سبب تقویت دموکراسی و افزایش مشارکت و رقابت سیاسی نهادمند، انتخاب منطقی و منتخبین متخصص و مسئولیت پذیر برخاسته از آرای مردم می‌شود. «اصولاً هر چه روند توسعه که لزوماً به کیفیت زندگی انسان مربوط می‌شود، گسترش یابد و شاخص‌های آن به ویژه رفاه اقتصادی افزایش یابد، روحیه و زمینه مشارکت افراد در امور سیاسی نیز افزایش خواهد یافت» (لفت ویچ، ۱۳۸۵: ۷۸). این در حالی است، که فساد سیاسی و اقتصادی ناشی از شکل‌گیری رانت سیاسی و اقتصادی در هر جامعه‌ای عامل همه فسادها یا فساد بزرگ است. بنا بر اعتقاد برخی از نویسندگان «فساد سیاسی و اقتصادی از بزرگترین موانع توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه هستند» (Azfar, 2001: 43)، «افساد سیاسی رابطه میان تصمیم‌گیری دسته جمعی و قدرت برابر مردم در اثرگذاری بر تصمیم‌های جمعی از طریق گفت و گو و رأی دادن قطع می‌کند، و از علت‌های اصلی بی‌اعتمادی عمومی و زوال حکومت و جامعه است» (Euben, 2010: 21)، «فساد سیاسی یعنی انحراف از قواعد مرتبط با اعمال قدرت سیاسی دولتی به منظور دستیابی به نفع شخصی و یا سوء استفاده از قدرت یا منابع عمومی یا دولتی برای نفع خصوصی یا شخصی است» (Johnston, 2011: 341).

بنابراین فساد سیاسی و اقتصادی دوران گذار به توسعه سیاسی که لوسین پای (۱۳۷۰) لازمه توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت نظام سیاسی در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصیصی شدن ساختارها و افزایش مشارکت و

ساموئل هانتینگتون (۱۹۷۹)^۱ مؤلفه‌های اصلی توسعه سیاسی را عقلانی سازی، یک پارچگی ملی، پیچیدگی سیاسی، انعطاف پذیری سیاسی، دموکراتیزه سازی و مشارکت می‌داند دموکراسی را با مشکل مواجه می‌کند. و آن را به تأخیر می‌اندازد و در پی آن انتخابات و منتخبین را تحت تأثیر آثار و تبعات خود قرار می‌دهند. «در واقع گسترش فساد، ثبات و امنیت جوامع را به خطر می‌اندازد، ارزش‌های اخلاقی و دموکراسی را سست و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تهدید می‌کند. اکنون جهانیان می‌دانند که لازمه برقراری دولت کارآمد، اثر بخش و عادل، مبارزه با فساد از همه نظر است» (راغفر، ۱۳۸۷: ۱۳۴). فساد سیاسی و مالی در واقع بستر ساز همدیگر می‌باشند و همدیگر را پوشش داده و تقویت می‌کنند «سازمان‌های جهانی پدیده فساد مالی و سیاسی را به عنوان یکی از مهمترین نگرانی‌های مدیریت دولتی و مانعی بزرگ برای توسعه پایدار قلمداد کرده است» (لطفیان، ۱۳۸۵: ۱۸۷). فساد سیاسی زمانی رخ می‌دهد که: «سیاستگذاری و قانونگذاری به نحوی تغییر داده شوند که سودی عاید سیاستمداران و قانون‌گذاران شود» (درخشان، ۱۳۸۸: ۲۳).

همانگونه که «ژان ژاک روسو»^۲ اعلام می‌کند. فساد سیاسی نتیجه حتمی کشمکش و تلاش بر سر کسب و ماندن در قدرت است (آجیلی، ۱۳۹۴: ۳۱). و اینگله آموندوسن (۲۰۰۶) با ارائه دو فرآیند از فساد سیاسی، یعنی کسب منابع و به کارگیری منابع جهت حفظ قدرت و استفاده از قدرت سیاسی برای ماندن در قدرت و گسترش آن از راه خرید یا کسب حمایت سیاسی از طریق پارتی بازی، جذب مشتری یا اصطلاحاً حامی - پیرو و سیاست حمایتی یا پشتیبانی سیاسی و خرید رأی می‌تواند باشد. «ابزارهای به کار گرفته شده در این مورد می‌تواند شامل توزیع منابع مادی و مالی مثل (پول هدیه و رانت) و یا اعطای ارزش‌های سمبولیک شبیه اعطای پست‌های سیاسی و مقام و گنجاندن باشد» (احدی و دیگران: ۱۳۹۷: ۱۳۷).

2 - Samuel P. Huntington

1 - Jean-Jacques Rousseau

۷-۱. مبارزات انتخاباتی احزاب و جناح‌های سیاسی

حزب سیاسی بنا به تعریف اپستین^۱ گروه یا سازمانی با عنوان و هویتی خاص می‌باشد که با معرفی نامزد و یا نامزدهای مورد نظر خود در انتخابات مختلف می‌کوشد تا قدرت را در دست گیرد (گاوجا، ۱۳۹۵: ۲۰). حزب دارای سه عنصر متمایز ساختار و تشکیلات، کارویژه و اهداف در کسب قدرت از طریق انتخابات است (نقیب زاده، ۱۳۷۸: ۱۵). مهم‌ترین نکته در تعریف حزب که وجه تمایز احزاب سیاسی را با سایر گروه‌ها، تشکل‌ها، سازمان‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های فشار و ذی نفوذ را مشخص می‌کند، کسب قدرت از مجاری قانونی و از طریق انتخابات است. (عالم، ۱۳۹۱: ۳۴۵). احزاب سیاسی بنابر سیاست‌های اتخاذی و کارویژه‌های مختلفی که در شکل دادن به افکار عمومی، معرفی کاندیداهای انتخابات، آگاهی دهی عمومی از تصمیم‌ها و مقاصد قدرت سیاسی، ادغام اجتماعی و همبستگی، تجمع و انعکاس مطالبات مشروع و قانونی مردم به نظام سیاسی، نظارت بر قدرت سیاسی و کنترل آن، ایجاد محیط مسالمت آمیز در حل و فصل اختلافات و آموزش سیاسی در سطح عمومی و در سطح حزب دارند (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۰۳-۱۰۵). احزاب سیاسی در سه حالت، یکی میل و حضور در صحنه انتخابات، دوم هویت یابی حزبی و سوم ساماندهی و نظم بخشی به کار انتخاب شوندگان در بعد از انتخابات به منظور جلوگیری از رها شدن و بی تفاوتی نمایندگان در قبال مسئولیت نمایندگی و رأی دهندگان و پاسخگویی در مورد وظایف قانونگذاری و نظارت بر اجرای قانون در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف و در قبال انتظارات و توقعات غیر واقع بینانه حوزه‌های انتخابیه اقدامات احتیاطی و گام‌های پیشگیرانه به منخین حزب خود در مجلس یادآوری می‌نمایند «بی شک فقدان تحزب در کشور و نبود نظام حزبی شفاف و عدم انتخاب نمایندگان پارلمان بر اساس یک نظام حزبی کارآمدی مجلس را تحت تأثیر

قرار داده و در روند کارکرد آنها اخلاص ایجاد می‌کند» (ابراهیم آبادی، ۱۳۹۴: ۲۹). علی‌رغم رسمیت احزاب سیاسی در قانون اساسی و فعالیت نظام‌مند احزاب سیاسی در چارچوب قوانین و مقررات معتبر و نقش احزاب سیاسی در توسعه یافتگی سیاسی و در توسعه رقابت سیاسی و در نهادمندی مشارکت سیاسی و استدلال برخی نویسندگان مبنی بر اینکه «احزاب سیاسی محصول شکل‌گیری قوانین و آئین‌نامه‌های انتخاباتی و پارلمانی هستند» (قاضی، ۱۳۷۱: ۷۲۱) و «انتخابات حلقه‌ی میان احزاب و سیاست دانسته می‌شود» (ایوبی، ۱۳۸۲: ۳) و «بدون وجود احزاب افکار عمومی متغیر است» (دوورژه، ۱۳۷۵: ۳۹۷). به علت فقدان نظام حزبی و کارکردهای مربوط به آن و خلأ تعیین و تکلیف وظایف و جایگاه رسمی و سازمانی احزاب سیاسی در قوانین انتخابات و در برگزاری انتخابات باعث شده است، تا جناح‌های سیاسی در مقایسه با احزاب سیاسی که از پایداری سازمانی و پشتیبانی اجتماعی و جوهره حزبی بی‌بهره هستند و در قبال انتخابات و منتخبین رفتار مبهم دارند، به جای احزاب سیاسی به عرصه انتخابات ورود نمایند و مفهوم مبارزه سیاسی انتخاباتی را به صورت نظام دو قطبی جناحی تحت تأثیر خود در آورده‌اند «اگر چه جناح‌های سیاسی در نهایت انتخابات را به نام خود رقم می‌زنند، اما نمی‌توان گفت که جناح‌های سیاسی در قالب احزاب فعالیت‌های انتخاباتی خود را به انجام رسانده‌اند، چرا که در اصل رقابت احزاب سیاسی در انتخابات بر اساس یک سری اصول و مبانی صورت می‌گیرد که به طور علمی قابل مطالعه است، در صورتی که جناح‌های سیاسی در ایران بر اساس این اصول و مبانی رفتار نمی‌کنند و فعالیت منظم و در چارچوب قرار گرفته‌ای از خود نشان نمی‌دهند» (زکی زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۳۶).

مبارزات منفی انتخاباتی میان احزاب و جریان‌های سیاسی، از جمله عواملی است که می‌تواند سطح مشارکت و میزان رقابت سازنده در انتخابات را کاهش دهد و بر کیفیت فرآیند انتخاب و عملکرد منتخبین اثر منفی بگذارد. چنین فضای رقابتی منفی، بازیگران سیاسی را درگیر مرزبندی‌های هویتی، مناقشات جناحی و جهت‌گیری‌های

غیرکارکردی می‌کند و انرژی آنان را از مسائل اصلی حکمرانی منحرف می‌سازد. در نتیجه، موضوعات حاشیه‌ای مانند سهم‌خواهی در تعیین استانداران یا پیگیری انتصاب مدیران همسو در حوزه‌های انتخابیه، جای اهداف اصلی انتخابات را می‌گیرد؛ اهدافی همچون ارتقای کیفیت حکمرانی، تقویت انسجام اجتماعی، بهبود کارآمدی قانون‌گذاری و نظارت، افزایش اعتماد عمومی، رضایت‌مندی شهروندان و شکل‌دهی به رابطه‌ای مبتنی بر پاسخگویی منتخبین و مطالبه‌گری رأی‌دهندگان. در چنین زمینه‌ای، هرگاه یک جریان سیاسی وارد عرصه قدرت می‌شود، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، چارچوب‌های فکری و معیارهای قضاوت خاص خود را در سطح جامعه منتشر می‌کند. با گذشت زمان و در صورت کاهش حمایت اجتماعی از گفتمان مسلط، جریان رقیب که پیش‌تر در حاشیه قرار داشته، فرصت ظهور می‌یابد و می‌تواند جایگاه هژمونیک جدیدی کسب کند و گفتمان پیشین را به حاشیه براند (پناهی و امینی، ۱۳۹۱: ۳۰).

۲. پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی‌های بعمل آمده تاکنون پژوهشی با رویکرد علمی در باب مسئله علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس شورای اسلامی در انتخاب استانداران صورت نگرفته است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر بامد نظر قرار دادن این اصل اساسی که روش تحقیق مناسب با موضوع پژوهش اهمیت و نقش بسزایی بر مسئله تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیه‌های تحقیق و شرایط جامعه آماری و جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها و در دست‌یابی به نتایج و اعتبار یافته‌های پژوهش دارد. با هدف کاربردی و روش تحلیلی-توصیفی به بررسی مسئله علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران به منظور بهبود در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در انتخاب مدیران رده‌های مختلف سیاسی برآمده است.

پژوهش حاضر از نظر شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها به صورت چند روشی و ترکیبی از روش‌ها است. به طوری که بنا بر شرایط و موضوع مورد بررسی، ابتدا محقق از طریق مطالعه متون و منابع مکتوب و انجام مصاحبه با صاحب نظران و کارشناسان در حوزه‌های مختلف، شاخص‌های کلیدی علل و پیامدهای مسئله ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران، با در نظر گرفتن جنبه‌های علمی، فنی و تخصصی به عنوان یک مفهوم مطرح و بر جسته از نظر اهمیت و اولویت به تعداد ۱۴ شاخص شناسایی و احصاء و بر مبنای طیف لکیرت با پاسخ‌های بسته بر روی یک پیوستار با گزینه‌های «تأثیر ندارد، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد» به ترتیب با کدهای «۰، ۱، ۲، ۳، ۴» به عنوان پرسشنامه علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران اقدام نمود. در پی آن محقق به منظور درک درست از میزان تأثیر هر یک از شاخص‌های مسئله ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران مبادرت به تشکیل گروه خبرگان پژوهش متشکل از ۹۰ نفر از کارشناسان و صاحب نظران در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف به عنوان جامعه آماری پیمایش اطلاعات و داده‌های آماری شاخص‌های پرسشنامه در تعیین میزان تأثیر هر یک از شاخص‌های مسئله علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران به منظور تجزیه و تحلیل شاخص‌ها با SPSS اقدام نمود.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

۴-۱. بررسی توزیع پاسخگویان (خبرگان)

هم چنانکه جدول (۱) نشان می‌دهد. از میان ۹۰ نفر خبرگان جامعه آماری پیمایش پژوهش، ۲۹ درصد دارای تحصیلات دکتری، ۳۵ درصد فوق لیسانس، ۲۵ درصد لیانس و ۱۰ درصد دیپلم و فوق دیپلم می‌باشند. از نظر جنسیت خبرگان جامعه آماری پژوهش، ۸۱ درصد آقایان و ۱۸ درصد خانم هستند. همچنین از میان خبرگان جامعه آماری ۴۴ درصد نخبگان و کششگران مسائل مختلف و اساتید دانشگاه و ۶۶ درصد از

مجموعه کارکنان رده‌های مختلف در استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها که آشنایی با وظایف استانداران دارند، می‌باشند.

جدول ۱: توزیع فراوانی تحصیلات، جنسیت و وضعیت شغلی خبرگان جامعه آماری

تحصیلات پاسخگویان	تعداد	درصد	جنسیت پاسخگویان	تعداد	درصد	وضعیت شغلی پاسخگویان	تعداد	درصد
دکتری	۲۶	۲۹	آقایان	۷۳	۸۱	نخیکان، کُنش گران مسائل مختلف و اساتید دانشگاه	۴۰	۴۴
فوق لیسانس	۳۲	۳۵						
لیسانس	۲۳	۲۵	خانم‌ها	۱۷	۱۸	مجموعه کارکنان رده‌های مختلف استانداری، فرمانداری ها و بخش‌داری‌ها	۶۰	۶۶
دیپلم و فوق دیپلم	۹	۱۰						

۲-۴. بررسی توصیفی شاخص‌های علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران

به منظور عملیاتی نمودن فرضیه‌ها که در این تحقیق تحت عنوان شاخص‌های چهارده گانه علل و پیامدهای مسئله ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران نامیده می‌شوند. هر یک از شاخص‌های پرسشنامه تحقیق به گونه‌ای طراحی شدند، تا ضمن تأمین روایی و پایایی لازم، به لحاظ آماری نقطه نظرات خبرگان، صاحب نظران و کارشناسان نیز مورد توجه قرار گیرد. و به همه شاخص‌ها پاسخ داده شود. در مسئله یابی علل و پیامدهای مسئله ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران و تأثیر میزان هر یک از شاخص‌ها از روش تجزیه و تحلیل آماری توصیفی - استنباطی استفاده گردید. تا بتوان داده‌ها تلخیص، طبقه‌بندی و پردازش شوند و زمینه برقراری روابط بین داده‌ها فراهم گردد. تجزیه و تحلیل داده‌های شاخص‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه گردید. در بخش آمار توصیفی، فراوانی درصدها، میانگین و انحراف معیار ارائه شد. و در بخش استنباطی از آزمون t جهت مقایسه میانگین و از

آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی شاخص‌ها استفاده گردید (جداول ۳ و ۲). لازم به ذکر است پاسخ‌ها بر روی یک پیوستار طیف لیکرت با عناوین (تأثیر ندارد، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد) به ترتیب با کدهای عددی (۰، ۱، ۲، ۳، ۴) در نظر گرفته شده‌اند. میانگین طیف لیکرت نیز ۲٫۵ در نظر گرفته شده.

جدول ۲: بررسی توصیفی تأثیر شاخص‌های علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران

Descriptive Statistics آمار توصیفی					
شاخص‌ها (s)	تعداد نمونه (N)	میانگین (Mean)	انحراف معیار استاندارد (Std. Deviation)	حداقل (Minimmun)	حداکثر (Maximum)
S1	90	3.4556	.58369	2.00	4.00
S2	90	3.5000	.52467	2.00	4.00
S3	90	3.8778	.32938	3.00	4.00
S4	90	3.9333	.29222	2.00	4.00
S5	90	3.5222	.50230	3.00	4.00
S6	90	3.9889	.10541	3.00	4.00
S7	90	3.4111	.61616	1.00	4.00
S8	90	3.3111	.78818	1.00	4.00
S9	90	3.9556	.25577	2.00	4.00
S10	90	3.8889	.38055	2.00	4.00
S11	90	3.9111	.32306	2.00	4.00
S12	90	3.2667	.77605	2.00	4.00
S13	90	3.6333	.60800	1.00	4.00
S14	90	3.7889	.46191	2.00	4.00

۳-۴. بررسی تأثیر شاخص‌های علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران با آزمون t

آزمون t و تعیین میانگین هر یک از شاخص‌ها به این منظور است. که هر یک از شاخص‌ها در ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران مؤثر و یا غیر مؤثر می‌باشند. هم‌چنانکه اطلاعات حاصل از آزمون t مستقل در جدول (۳) نشان می‌دهد. همه شاخص‌های چهارده گانه پرسشنامه که فرضیه‌های تحقیق به شمار می‌آیند. به نسبت متفاوت از علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران می‌باشند. و در ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران مؤثر واقع شده‌اند و بطور معنی داری از سطح تعیین میانگین شاخص در طیف بالاتر بوده و تأثیر هر یک از چهارده شاخص در این زمینه با قاطعیت تأیید می‌شود.

جدول ۳: بررسی تأثیر شاخص‌های علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران با آزمون t

Test Value = 2.5						
شاخص‌ها (s)	آزمون (t)	درجه ازادی (df)	معنی داری Sig. (2- talled)	میانگین تفاوت‌ها (Mean Difference)	درجه اطمینان 95%. Confidence Interval of the Difference)	
					پایین (Lower)	بالا (Upper)
S1	15.531	89	.000	.95556	.8333	1.0778
S2	18.081	89	.000	1.00000	.8901	1.1099
S3	39.683	89	.000	1.37778	1.3088	1.4468
S4	46.533	89	.000	1.43333	1.3721	1.4945
S5	19.306	89	.000	1.02222	.9170	1.1274
S6	134.000	89	.000	1.48889	1.4668	1.5110
S7	14.028	89	.000	.91111	.7821	1.0402

S8	9.763	89	000	.81111	.6460	.9762
S9	53.988	89	.000	1.45556	1.4020	1.5091
S10	34.624	89	.000	1.38889	1.3092	1.4686
S11	41.438	89	.000	1.41111	1.3434	1.4788
S12	9.372	89	.000	.76667	.6041	.9292
S13	17.684	89	.000	1.13333	1.0060	1.2607
S14	26.472	89	.000	1.28889	1.1921	1.3856

۴-۴. بررسی رتبه‌ی هریک از شاخص‌های ورود نمایندگان مجلس در

انتخاب استانداران با آزمون فریدمن

در تعیین رتبه بندی میزان تأثیر هریک از شاخص‌ها، از حیث ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران از آزمون فریدمن استفاده گردید. آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتری است. و وجود تفاوت معنادار بین تعدادی از گروه‌های وابسته را بررسی می‌کند. همچنان که از جدول (۴) نشان می‌دهد. اطلاعات حاصل از نتایج آزمون رتبه بندی فریدمن از شاخص‌های علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران حکایت از آن دارد که از بین ۱۴ شاخص مورد بررسی خبرگان و صاحب نظران، به لحاظ تأثیر و اهمیت، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. و آن این است، که شاخص‌ها از ارزش و اهمیت یکسانی در میزان تأثیر، همچنانکه جدول (۵) ترتیب رتبه شاخص‌های علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران بر اساس آزمون فریدمن نشان می‌دهد، برخوردار نیستند.

جدول ۴: رتبه شاخص‌های علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس درانتخاب استانداران با آزمون فریدمن

شاخص‌ها (s)	Mean Rank	شاخص‌ها (s)	Mean Rank
S1	9396	S8	8.76
S2	10.37	S9	15.15
S3	14.46	S10	14.61
S4	14.99	S11	14.80
S5	10.56	S12	8.46
S6	15.36	S13	11.94
S7	9.49	S14	13.57

Test Statistics^a

N	90
Chi-Square	904.274
df	22
Asymp. Sig.	.000

a. Friedman Test

جدول ۵: ترتیب میزان تأثیر هر یک از شاخص‌های علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس درانتخاب استانداران با آزمون فریدمن

رتبه شاخص‌ها	شاخص‌های علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران
۱	انگیزه‌های سیاسی و انتخاباتی و رأی‌آوری مجدد در انتخابات از علل ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران است.
۲	ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران بر خلاف وظایف نمایندگی و باعث تضعیف جایگاه حاکمیتی استانداران و تحقق حکمرانی محلی در استان می‌شود.
۳	ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران بستر ساز ورود جابدها به دیگر انتصابات و عزل و نصب‌های همسو با نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه نمایندگان است.
۴	انتظارات غیر واقع بینانه احزاب و جناح‌های سیاسی همسو با نمایندگان و صاحبان نفوذ و سرمایه و حامیان نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه از علل ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران است.
۵	ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران بر خلاف اصل استقلال قوا و وظایف و مسئولیت‌های هر یک از قوا و شأن نظارتی مجلس در نظارت بر عملکرد استانداران است.
۶	فقر فرهنگ قانون‌گرایی و غیر مشارکتی و غیر رقابتی بودن مبانی رفتاری و نظری فرهنگ سیاسی انتخاباتی از علل ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران است.
۷	ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران باعث فرصت‌سوزی و تأخیر در شکل‌گیری مدیریت منسجم و برنامه‌های دولت در استان و عزل و نصب‌های سیاسی؛ سلیقه‌ای و شتاب‌زده در استان می‌شود.
۸	خلاهای قانونی و گاه ساختاری در نظام حقوقی و اداری کشور و در سازوکارهای انتخاب مدیران سیاسی و دیگر رده‌های مدیریتی باعث سهم‌خواهی و ورود نمایندگان مجلس به انتخاب استانداران است.

رتبه شاخص‌ها	شاخص‌های علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران
۹	عدم شفافیت مواضع و آرای نمایندگان مجلس در قبال مسائل و موضوعات مختلف کشور و رأی دهندگان حوزه‌های انتخابیه از علل ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران است.
۱۰	انتخاب استانداران بر اساس نظر و خواست نمایندگان مجلس باعث سهم خواهی نمایندگان از استانداران و به حاشیه راندن و مهجوریت نخبگان و نیروهای تخصصی و مستقل و علمی در استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها پی‌انگیزگی آن‌ها می‌شود.
۱۱	ورود نمایندگان مجلس به انتخاب استانداران در نتیجه‌ی کاهش میزان مشارکت در انتخابات و رقابت سیاسی و انتخابات غیر رقابتی مبتنی بر حذف و ستیز بین احزاب سیاسی و جناح‌ها و کاندیداهای انتخابات و رأی دهندگان است.
۱۲	دولت‌ها جهت کسب رأی اعتماد از نمایندگان مجلس و جلوگیری از استیضاح وزیران و تصویب بودجه سالانه دولت و پشبرد اهداف و برنامه‌های خود و تعامل دولت با نمایندگان مجلس سبب ساز ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران هستند.
۱۳	ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران، در نتیجه‌ی برداشت نمایندگان مجلس از وظیفه نظارتی مجلس و تعمیم دادن وظیفه نظارتی مجلس به ورود در انتخاب استانداران ز یک سو و اصل ۸۴ قانون اساسی مبتنی بر اینکه نمایندگان حق اظهار نظر در عموم مسائل دارند از سوی دیگر است.
۱۴	ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران ادامه تبلیغات انتخاباتی نمایندگان و تحقق شعارهای انتخاباتی و ادعاهای نمایندگی به منظور جلب نظر رأی دهندگان در انتخابات مجلس شورای اسلامی است.

نتیجه‌گیری

ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران، به عنوان نمایندگان عالی دولت و مسئول اجرای سیاست‌های عمومی در استان‌ها، یکی از موضوعاتی است که تاکنون کمتر به صورت علمی بررسی شده است. بر این اساس، این پژوهش با هدف تحلیل علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران، که انتخاب و انتصاب آنان بر اساس اصل استقلال قوای سه‌گانه از وظایف وزارت کشور و دولت است، انجام شد. نتایج حاصل از مبانی نظری و تحلیل داده‌های شاخص‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نشان داد که: نخست، بین شاخص‌های پژوهش و علل و پیامدهای ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران رابطه معناداری وجود دارد. نمایندگان مجلس با شدت و شیوه‌های متفاوت در این فرآیند وارد عمل می‌شوند که این رفتار تابع ترکیبی از عوامل مختلف است؛ از جمله عوامل فردی و رفتاری، قانون و مقررات انتخاباتی، میزان مشارکت و رقابت سیاسی، فرهنگ سیاسی انتخاباتی و چرخه‌های سیاسی-انتخاباتی احزاب و جریان‌های سیاسی.

شاخص‌هایی مانند انگیزه سیاسی و انتخاباتی نمایندگان، تلاش برای رأی‌آوری مجدد، انتصاب افراد همسو در پست‌های مدیریتی و سیاسی، و انتظارات احزاب و حامیان اجتماعی و اقتصادی از علل مهم ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران هستند. پیامدهای این روند شامل وابستگی استانداران به تعامل با نمایندگان مجلس، زمان‌بندی پیچیده در اجرای برنامه‌های دولت، و کاهش استفاده از ظرفیت نخبگان و نیروهای تخصصی در استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری است. همچنین، این روند نشان‌دهنده اهمیت توجه به سازوکارهای قانونی و اداری و نقش هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و نمایندگان در فرآیند انتصاب مدیران است. به نظر می‌رسد که عوامل ساختاری، قانونی و مشارکتی، همراه با ویژگی‌های حوزه‌های انتخابیه، بر میزان ورود نمایندگان مجلس در انتخاب استانداران تأثیرگذار بوده و استمرار این روند را شکل می‌دهند.

منابع

- بینات مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس یازدهم در تاریخ (۱۴۰۰/۳/۶) و (۱۴۰۱/۳/۴)
- آجلی، مهدی. (۱۳۹۴). «ارائه رویکرد ترکیبی برای تحلیل عوامل فراسازمانی مؤثر در بروز فساد اداری و مالی در سازمان‌های دولتی»، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، سال بیستم، شماره ۵۸.
- ابراهیم آبادی، غلامرضا. (۱۳۹۴). «نقش و جایگاه احزاب در تقویت و کارآمدی مجالس قانونگذاری»، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۴۲۴۷.
- احمدی، علی. (۱۳۸۹). *انتخابات در ایران: بررسی حقوقی و قانونی*، تهران: نشر میزان.
- احدی، پرویز، و همکاران. (۱۳۹۷). «بررسی فساد سیاسی و رابطه آن با توسعه سیاسی از منظر جامعه‌شناسی سیاسی»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی*، سال دهم، شماره ۴۰.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۷۸). «چهره متغیر امنیت داخلی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۴.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۷۸). «احزاب، ثبات سیاسی و امنیت»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۴.
- امام جمعه زاده، سیدجواد و یاری، عبدالرضا. (۱۳۸۲). «رابطه فرهنگ سیاسی و توسعه نیافتگی سیاسی در ایران»، *مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان*، شماره ۲.
- ایوبی، حجت اله. (۱۳۸۲). «مشارکت انتخاباتی؛ علل و انگیزه‌ها»، *فصلنامه روز*، شماره ۹.
- بشریه، حسین. (۱۳۸۲). *آموزش دانش سیاسی*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- تنسی، استفان. دی. (۱۳۷۹). *مبانی علم سیاست*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر دادگستر.
- توکل نیا، پرویز؛ گلشنی، علیرضا و احمد آذین. (۱۳۹۹). «بررسی رابطه انتخابات با قدرت نرم، امنیت نرم و ناامنی»، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۵۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: انتشارات گنج دانش.
- جمال زاده، ناصر. (۱۳۸۲). *اصطلاحات سیاسی*، تهران: انتشارات پارسایان.

- حبیبی، حسن. (۱۳۶۴). «رابطه سیاسی مجلس و قوه مجریه»، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱.
- دوورژه، موریس. (۱۳۷۵). احزاب سیاسی، ترجمه رضا علومی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- درخشان، حمیدرضا. (۱۳۸۸). مطالعه تجربه کشورها برای مبارزه با فساد اقتصادی (یک مطالعه مقایسه‌ای)، تهران: نشر موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغتنامه دهخدا، جلد ۱۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راسکین، مایکل و همکاران. (۱۳۹۳). نگاهی نو به مبانی علم سیاست، ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی، تهران: نشر مخاطب.
- راغفر، حسین. (۱۳۸۷). «اقتصاد سیاسی فساد»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره ۵۸.
- رُز، ریچارد. (۱۳۹۰). دایره المعارف بین‌المللی انتخابات، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر میزان.
- رحیمی، علامرضا. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی انتخابات، کرج: انتشارات مدیر فلاح.
- رضوی، مسعود. (۱۳۷۹). روشنفکران و منابع ملی، چاپ اول، تهران: نشر فروزان نو.
- روریش، ویلفرد. (۱۳۷۲). سیاست به مثابه علم، ترجمه ملک یحیی صلاحی، تهران: نشر سمت.
- رفیع، حسین و همکاران. (۱۳۹۷). «فرهنگ سیاسی؛ یک بررسی مفهومی و نظری»، فصلنامه سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷.
- زکی زاده، عصمت. (۱۳۸۸). تعاملات احزاب و انتخابات: با نگرش کاربردی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات کهکشان دانش.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۷۲). عقل و توسعه یافتگی، تهران: نشر سفیر.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۹۷). فرهنگ سیاسی ایران، چاپ پنجم، تهران: نشر فروزان روز.
- شهرام نیا، امیرمسعود. (۱۳۸۵). جهانی شدن و دموکراسی در ایران، تهران: نشر نگاه معاصر.
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۹۱). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.

- عباسیان، علی اکبر. (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی در امثال و حکم فارسی، تهران: نشر اختران.
- علم، محمدرضا. (۱۳۸۷). سهم فرهنگ سیاسی ایران در ناپایداری احزاب، تهران: انتشارات فرجام.
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۲). تئوری‌های ساخت قدرت و رژیم پهلوی دوم، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فیرحی، داود. (۱۳۸۵). «مفهوم مشارکت سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره ۱.
- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۷۱). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی کلیات و مبانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۹). تهران: انتشارات وکیل یار
- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی آن. (۱۳۹۸). تهران: نشر وزارت کشور.
- قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۹). مصوب مجلس شورای اسلامی
- قانون شرح وظایف استانداران و فرمانداران (۱۳۷۷). مصوب شورای عالی اداری
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۲-ب). چالش‌های توسعه سیاسی، تهران: نشر قومس.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). مبانی حقوق عمومی. تهران، نشر دادگستر
- کریمی مله، علی. (۱۳۸۰). «پتانسیل تبدیل رقابت به منازعه سیاسی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۳.
- کوهکی، علیرضا. (۱۳۸۸). «بررسی نقش و جایگاه مشارکت سیاسی در سیاست گذاری‌های داخلی و خارجی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شناسه گزارش ۹۶۹۱.
- کی جین، آرویند. (۱۳۸۶). اقتصاد سیاسی فساد، مترجم علی بختیازاده، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- گلشنی، علیرضا؛ شهبازی، عزیزالله. (۱۳۹۵). «سیکل تجاری- سیاسی مطالعه دولت‌های سید محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۵
- لیست، سیمور مارتین. (۱۳۷۴). «مشروعیت و کارآمدی»، فصلنامه فرهنگ توسعه، سال چهارم، شماره ۱۸.
- لفت ویچ، آدریان. (۱۳۸۵). دولت‌های توسعه‌گرا پیرامون اهمیت سیاست در توسعه، ترجمه جواد افشارکهن، مشهد: انتشارات نینگار.
- لطفیان، سعیده. (۱۳۸۵). «پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی سیاسی در کشورهای در حال توسعه»، مجله دانشکده حقوق و علوم، سیاسی، شماره ۷۱.
- ملکی، امیر. (۱۳۸۴). «نگرش جوانان نسبت به مشارکت سیاسی زنان در سطح برگزیدگان سیاسی»، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵.
- میرمحمدی، داوود. (۱۳۸۰). «رهیافت نظری تحلیل رقابت سیاسی و مسأله وفاق اجتماعی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹.
- مرادخانی، فردین (۱۳۹۶). خوانش حقوقی از انقلاب مشروطه ایرانی، تهران: نشر میزان
- منشادی، مرتضی و اکبری، سارا. (۱۳۹۹). «تبیین رابطه ساخت سیاسی و توسعه سیاسی در دوران پهلوی اول بر اساس مدل برنارد کریک»، فصلنامه دولت پژوهی، سال پنجم، شماره ۲۱.
- نقیب زاده، احمد. (۱۳۸۰). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- نقیب زاده، احمد. (۱۳۷۸). حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز، تهران: نشر دادگستر.
- نیاکویی، امیر. (۱۳۹۳). «جامعه‌شناسی منازعات سیاسی در ایران: انتخابات ۱۳۸۸»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره ۱.
- وزارت کشور، دفتر انتخابات. (۱۳۹۹). مجموعه گزارش مستند انتخابات مجلس شورای اسلامی

- Almond ,G. A ,(1990) .*the study of Dolitical culture in A Disciplin divided :school and sects in political science* ,Newbulypark ,sage.
- Azfar and Others. (2010). "*The Causes and Consequences of Corruption. AAPSS*". N. 573.
- Euben, J. P. (2010). "Corruption" in Johnston, M. (ed.), *Public Sector Corruption*, Vol. 1, London, Sage Publication Ltd.
- Johnston, Michael .(2011). "Corruption", in *The Encyclopedia of Political Science*, George Thomas Kurian, editor in chief, CQ Press: A Division of SAGE.